

ضرورت ایجاد پلیس قضایی در نظام حقوق کیفری ایران

فرشته محمد حسینی^۱، عاطفه لرجوری^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان (نویسنده مسئول)

چکیده

پلیس ضامن امنیت و آرامش شهروندان است و برای تأمین آن نیازمند تخصص و ساختار ویژه‌ای می‌باشد، بنابراین نهاد پلیس طبقه‌بندی‌های مختلفی را بدین منظور ایجاد کرده و بسته به مسئولیتی که بر عهده آن‌ها گمارده شده است فراگیری تخصص و دانش مخصوص آن زمینه را بر خود نیز ملزم دانسته است. امروزه پلیس قضایی یکی از شاخه‌های مهم پلیس انتظامی است که وجود آن از زمان وقوع جرم تا تعیین تکلیف نهایی پرونده به منظور سرعت بخشیدن به روند دادرسی منصفانه ضروری و لازم به نظر می‌رسد ولی متأسفانه با وجود اینکه سال‌ها پیش آیت‌الله دکتر شهید بهشتی وجود پلیس قضایی را بنا به دلایلی جزو جامعه مهم قضاوت می‌دانستند و اختصاص آن را به دستگاه قضایی در قالب لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی ارائه نمودند ولی بعدها با تصویب قانون ادغام نیروهای مسلحی که در سطح جامعه امورات انتظامی را انجام می‌دادند موجب سلب وظیفه از این نهاد نوپا گردید و کلاً از قانون ایران منحل‌گردید، لذا در سالهای اخیر نیاز به احیای مجدد این پلیس تخصصی در دستگاه قضایی و ضرورت نقش آن در روند دادرسی از سوی موافقان آن به شدت احساس گردیده است و آنان در تلاشند که دوباره آن را احیا نمایند. در ایران علی‌رغم ضرورت نقش این پلیس در برقراری عدالت کیفری متأسفانه تلاش و تحقیقات زیادی در این زمینه صورت نپذیرفته است و این باعث گردید در این پژوهش سعی شود با استفاده از منابع موثق و سایتهای معتبر ضرورت احیای پلیس قضایی و نقش آن را در فرایند دادرسی مورد توجه و تأکید قرار گیرد و وظایف، اختیارات، قوانین و مقررات مربوط به این شغل مقدس را بتوان در قالب یک طرح جامع گردآوری نمود. نتایج این پژوهش که بیشتر در قالب تحقیقات کتابخانه‌ای و مصاحبه با قضات محترم انجام شد نشان داد که پلیس قضایی یکی از ضروریات دستگاه قضا برای برقراری عدالت در سیستم قضاوت کشور است.

واژه‌های کلیدی: پلیس قضایی، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، قضاوت عادلانه، دادرسی کیفری

مقدمه

یکی از مولفه‌ها و وظایف اساسی نظام عدالت کیفری در کشورهای مختلف دنیا، لزوم اجرای عدالت قضایی و گسترش آن است. چنان که در نظام عدالت کیفری ایران نیز این مهم در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به عنوان یکی از مسئولیت‌های قوه قضائیه مورد اشاره قرار گرفته است. بدیهی است که تحقق عدالت قضایی در گرو کشف حقیقت است. بعبارت روشن‌تر، تا زمانی که حقیقت کشف نشود اجرای عدالت قضایی نیز بی معنا خواهد بود. یکی از راه‌های مهم جهت کشف حقیقت و کاهش رقم سیاه بزهکاری، لزوم همکاری مؤثر و صادقانه افراد

خاص، یعنی شهود، شاکیان خصوصی، گزارش دهندگان و کارشناسان، در بیان مشاهدات واقعی شان است. ولایمه همکاری مؤثر، تهی بودن هرگونه رفتارهای تهدیدآمیز و فریب دهنده نسبت به هر یک از این افراد از زمان قبل تا بعد از دادرسی قضایی است. اما برای اجرای این امر مهم نقش پلیس خود جایگاه و اهمیت خاصی دارد (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۴۲).

در حقوق جزای ایران، پیشگیری از جرم، مقابله با مجرم و اجرای عدالت قضایی یا دادرسی منصفانه بر عهده دستگاه قضایی نهاده شده است و پلیس قضایی به عنوان بازوان دستگاه قضایی نقش بسیار تعیین کننده‌ای در جریان تشکیل پرونده‌های کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دارند. نقش پلیس قضایی همواره بعد از وقوع جرم ظاهر می شود. در فاصله زمانی وقوع جرم تا مرحله صدور حکم و اجرای کامل آن، میان پلیس و دستگاه قضایی رابطه ارگانیکی (غیررسمی) برقرار می گردد و آن‌ها به عنوان بخشی از دستگاه عدالت کیفری با پرونده اتهامی درگیرند و تحت امر دادسرا و مراجع قضایی وظایف مهمی چون کشف جرایم، تعقیب و دستگیری متهمین و مجرمین، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای مقتدرانه احکام صادره را ایفاء می نمایند (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۴).

قانونگذار در ایران، وظایف و اختیارات این ضابط قضایی را در قوانین داخلی به وضوح، تعریف نموده است ولی با این حال هنوز کاستی‌ها و تردیدهای فراوانی در رابطه با اصل وجود پلیس قضایی در قانون وجود دارد که در این پژوهش سعی شده به بررسی این مساله پرداخته شود.

بیان مسئله

تشکیل پلیس قضایی به عنوان یک ضرورت برای دستگاه قضایی مورد تأکید اکثر کارشناسان انتظامی، حقوقی، قضایی و اجتماعی قرار گرفته است، اما هنوز اقدامی جامع و منسجم برای تشکیل این پلیس تخصصی شاهد نبوده ایم. پلیس قضایی از موضوعاتی است که ضرورت احیای آن در دوران ریاست جدید قوه قضائیه آیت الله آملی لاریجانی به صورت ویژه مطرح گردیده است، و در این زمینه قضات، کارشناسان حقوقی و نمایندگان مجلس نظرات متفاوتی عنوان نمودند اما بیشتر آنان در این زمینه اتفاق نظر دارند که پلیس قضایی گر ههای موجود در دستگاه قضایی را باز می کند، و احیای آن موجبات برقراری عدالت کیفری، حفظ حقوق دفاعی متهمین و جلوگیری از اطاله دادرسی را فراهم می سازد (میرزائی، ۱۳۹۰: ۱۷).

لایحه احیای پلیس قضایی که قبلاً در مجلس شورای اسلامی در چندین نوبت مطرح و رد شده است و بنا به اشکالاتی مورد تصویب واقع نگردیده است از سیاست‌های اصولی و جدی قوه قضائیه در دوره جدید است که ما اعتقاد کامل بر احیای این نهاد به مانند بسیاری از کشورهایی که فعالیت آن موجبات اجرای دقیق دستورات قضایی را فراهم می سازد را داریم.

پلیس قضایی به عنوان یادگار شهید بهشتی در اوایل انقلاب تشکیل و تا زمان ادغام و یکپارچه سازی نیروهای انتظامی نیز به فعالیت خود ادامه داد، اما پس از تصویب قانون ادغام و تشکیل نیروی انتظامی، پلیس قضایی نیز به انتهای مأموریت خود رسید. در سال ۱۳۶۸ دانشکده علوم قضایی و دادگستری تعدادی دانشجوی برای تربیت پلیس قضایی جذب نمود و تلاش گردید این افراد بعدها به عنوان پلیس قضایی در دستگاه قضا فعالیت نمایند، اما دو سال بعد، این طرح به فراموشی سپرده شد و دانشجویان آن نیز پیش از آنکه چنین طرحی اجرا شود پراکنده شدند؛ در نهایت نیز پلیس قضایی تا به امروز در کشور تحقق نیافت (کاوه، ۱۳۹۱: ۵۲).

پلیس قضایی در اکثر کشورها به عنوان یک ضابط خاص در کنار دستگاه قضایی ایفای نقش می کند و نیروهای این پلیس که فارغ التحصیل رشته حقوق هستند به انجام اقدامات قضایی مانند، ابلاغ اوراق قضایی، اجرای احکام قضایی، حکم جلب، دستگیری و ... فعالیت می کنند. این افراد اصولاً تحت نظارت و آموزش دستگاه قضایی بوده و به آن پاسخگو میباشند اما پلیس انتظامی در حوز ههای مختلف مثل برقراری امنیت در راه ها، پیشگیری و کنترل جرائم و ... فعالیت می کند و می بایست علاوه بر سلسله مراتب داخلی به بسیاری از ارگان ها مثل استانداری، دادگستری، وزارت کشور و ... جوابگو باشد. لذا وجود یک پلیس تخصصی و آموزش دیده تحت عنوان پلیس قضایی می تواند مسئله ای که امروز تبدیل به یکی از عوامل اطاله دادرسی و تأخیر در رسیدگی به پرونده های قضایی شده را برطرف کند (غلامی، ۱۳۸۳: ۲۳).

اگر پلیس قضایی با امکانات و تجهیزات فنی و مهارت های کارشناسانه شکل شود، موجب می شود نظارت و راهنمایی های قاضی کیفری در نیل به رسیدن عدالت کیفری و دادرسی عادلانه به حداقل برسد، چرا که پلیس قضایی خود آشنا با مقررات متهم و حفظ و نگهداری ادله جرم است. وقتی پلیس آشنا به وظیفه خود در امور کیفری باشد دیگر نیاز نیست که چندین مرتبه پرونده به همراه طرفین بین دادگاه و کلانتری ها در رفت و آمد باشد و کار نیز از سرعت و دقت بیشتری برخوردار می شود، بررسی دقیق عملکرد نیروی انتظامی در دوران پس از ادغام نشان دهنده خلأ وجودی این نهاد و خودنمایی ضرورت احیای آن در کشور بوده است و تشکیل جلسات متعدد کارشناسی، به منظور تدوین قانون پلیس قضایی و احیای مجدد آن در سطوح مختلف قوه قضاییه و وزارت دادگستری گویای این حقیقت مهم بوده است لذا این که استقرار پلیس قضایی بعد احیای مجدد آن در کدام دستگاه صورت گیرد، جای بحث داشته و اصل موضوع را تحت الشعاع قرار داده است، اما اکثر کارشناسان حقوقی و قضایی باتوجه به مشغله پلیس در بیش از ۶۰ وظیفه قانونی و به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی که ناشی از تأخیر در ابلاغ و اجرای احکام قضایی است اتفاق نظر دارند پلیس قضایی که نهادی تخصصی است، به مانند پلیس راه آهن و فرودگاه بهتراست

در تشکیلات و دستگاه قضایی استقرار یابد و این یک کار عقلانی محسوب می شود (میرزائی، ۱۳۹۰: ۲۲).

لذا امروزه با توجه به تعدد جرائم و پیچیدگی جرم و افزایش پرونده های ورودی به دستگاه قضایی ضرورت تشکیل پلیس قضایی دو چندان شده است. اگرچه لایحه تشکیل پلیس قضایی به دلیل مغایرت با برنامه چهارم توسعه و برخی اصول قانون اساسی رد شده است اما می توان با یک نگاه تخصصی آن را بررسی و ضرورت آن را تبیین کرد. لازم است ضرورت تشکیل پلیس قضایی توسط دستگاه قضایی و دولت به خوبی تبیین و مورد توجه قرار گیرد تا بر مبنای آن نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز بر اساس این ضرورت بر احیای پلیس قضایی اقدام کنند. اکنون با توجه به آنچه گفته شد باید دید که آیا احیای مجدد پلیس قضایی در اجرای صحیح عدالت، کاهش اطاله دادرسی و رعایت دقیقتر حقوق اصحاب دعوی بالاخص متهمان می تواند موثر باشد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک تحقیق از نوع توصیفی اسنادی است که به بررسی ضرورت احیای پلیس قضا می پردازد. بر اساس روش تحقیق کتابخانه ای، برای جمع آوری اطلاعات بعد از مآخذ شناسی و گردآوری منابعی همچون آیین دادرسی کیفری و از طرف دیگر با استفاده از ابزارهای فیش و فرم های مربوط به نکته برداری مطالبی که در مجلات و مجموعه مقالات حقوقی، استفاده خواهند شد. بدین صورت که بعد از مآخذ یابی کتب، مجلات و اسناد مربوط به موضوع، فهرست موقت از مطالب مورد نیاز را تهیه و سپس با کمک اساتید، قضات و متخصصان، مرحله فیش برداری شروع و مطالب با استفاده از تکنیک مآخذ گذاری به روش علمی تنظیم خواهد شد. به طور خلاصه از فیش های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور حقوقی استفاده می شود.

تعاریف و مفاهیم

تعریف پلیس

مفاهیم و تعاریف پلیس را در سیستم حقوقی ایران می توان در متن نظامنامه اداره نظمیه و آیین نامه ژاندارمری و قانون تشکیل نیروی انتظامی ملاحظه کرد؛ که برای جلوگیری از اطاله کلام صرفا به تعریف آن از منظر قانون تشکیل نیروی انتظامی اکتفا می نمایم ماده ۱ قانون مذکور مصوب ۲۲ تیر ۱۱۹۲ بدون ارائه تعریف از نیروی انتظامی ج.ا.ا، هدف از تشکیل این سازمان را که از ادغام کمیته های انقلاب استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و اسلامی، شهربانی کل کشور و ژاندارمری کل کشور به وجود آمده چنین مقرر کرده است فردی، نگهبانی و پاسداری از انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو جمهوری اسلامی.

تعریف ارائه شده حاکی از آن است که پلیس مشخصترین قدرت حکومتی در کوچه و خیابان و در ارتباط گسترده با مردم است. مأمور پلیس از یک سو نماینده حکومت و قانون و از سوی دیگر نماینده همه مردم است. لذا مظهر قدرت ملی و حکومت قانون است. همچنین او مکلف به حمایت از حقوق قانونی افراد است و حتی آنگاه که با تبهکاران مقابله می کند، باید وظیفه اش را مطابق قانون، عدالت، اخلاق و فنون دقیق روانشناختی و با بی نظری و بی طرفی کامل انجام دهد. پلیس دائما در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دارد. اگر یک سازمان پلیس نتواند اعتماد عمومی را در صحن انجام وظایف قانونی اش جلب کند، پایه های روانی و اجتماعی قدرت خود را از دست می دهد، بالعکس چنانچه نظام حکومتی مورد اعتماد مردم باشد و او هم رفتار سنجیده، اطمینان بخش و قانونی را پیشه خود سازد به بهترین شکل، اختیارات و صلاحیت های حکومتی اعطا شده و احترام سازمان متبوع خود را با همراهی پشتیبانی افکار عمومی بالا می برد. شاید اغراق آمیز نباشد که این درجه مردمی و ضد مردمی بودن در حکومت را با رفتار پلیس آن حکومت باید سنجید.

تعریف و پیشینه پلیس قضایی:

پلیس قضایی عهده دار وظایف بعد از وقوع جرم پلیس قضایی می باشد که باید تحت نظر دستگاه قضایی بدان رسیدن به یک دادرسی عادلانه انجام گیرد. افسران و افراد پلیس قضائی در قرا گاهها یا پاسگاهها یا کلانتری ها و یا مراکز دادسراها مستقر می شوند و به محض اطلاع از وقوع جرم طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین اقدام لازم را معمول می دارند

و گزارش آنرا به دادسرا محل تسلیم می کنند. پلیس قضایی، یک نوع ضابط تخصصی است که در اختیار مدیریت قضایی کشور می باشند، با کادری که آموزش های ویژه را در زمینه اقدامات بعد از وقوع جرم دیده اند.

به موجب مصوبه شورای انقلاب، پلیس قضایی متشکل از افسران و افراد انتظامی و کارگزاران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (مامورین ابلاغ و اجرای احکام کیفری و مدنی) آغاز به کار نمود. طبق ماده لایحه قانون مذکور، پلیس قضایی هر شهرستان وابسته به شهربانی محل بوده و مکلف بود دستورات مقامات قضایی را اجرا کند.

لیکن قانون تشکیل پلیس قضایی ضمن اصلاح، مفاد ماده ۲ لایحه قانون تشکیل پلیس قضایی تغییر یافت. برابر اصلاحیه جدید، پلیس قضایی از طریق وزارت کشور در اختیار قوه قضاییه خواهد بود. وزارت کشور مکلف است نیروی مورد نیاز قوه قضاییه را در حدود این قانون در اختیار دادگستری قرار دهد. پلیس قضایی از شهربانی جدا و در اختیار قوه قضاییه قرار گرفت. همچنین این لایحه از ضابطین دادگستری به طور کلی سلب مسئولیت نمود، در ۱ مورد زیر کمافی سابق افراد مذکور وظایف خود را به نحوی که در قوانین مقرر است انجام خواهد داد:

۱- مادام که به وظایف ضابطین دادگستری و مامورین ابلاغ و اجرا نیاز است

۲- در زمان استمداد پلیس قضایی از قوای انتظامی

۳- در صورت عدم حضور افسران یا افراد پلیس قضایی در محل وقوع بزه

و در پایان مبحث این نکته مهم قابل ذکر می باشد طبق ماده ۲ لایحه که مقرر می دارد " به کلیه جرائم مامورین مذکور در این قانون طبق قواعد کلی در دادگاه های دادگستری رسیدگی خواهد شد " .

این ماده صلاحیت دادگاه نظامی را در مورد جرائم ارتكابی مامورین پلیس را نفی می نماید. سرانجام با توجه به قانون نیروی انتظامی ج. ا. ا. پلیس قضایی منحل و در نیروی انتظامی ادغام گردید.

وظایف پلیس قضایی

شورای انقلاب برای پلیس قضایی دونوع وظیفه و ماموریت پیش بینی شده بود.

۱- وظایف مربوط به ضابطین دادگستری به ترتیبی که در فصل اول و دوم از باب اول قانون آئین دادرسی کیفری و قوانین دیگر برای مامورین شهربانی و ژاندارمری شناخته شده است.

۲- وظایف مربوط به کارگزاران قضایی که عبارت است از تکالیفی که به موجب قوانین خاص برای مامورین ابلاغ و اجرا مقرر می باشد.

افسران و افراد پلیس قضایی در قرارگاه ها و پاسگاه ها یا کلانتری ها و یا مراکز دادسرا مستقر می شوند و به محض اطلاع از وقوع جرم طبق مقررات آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین لازم معمول می دارند و گزارش آن را به دادسرا محل تسلیم می کند. پلیس قضایی تا زمانی که جرمی واقع نشده حق مداخله ندارند، وظیفه او مربوط می شود به دوران بعد از وقوع جرم که شامل کشف جرم و حفظ آثار و علائم آن جلوگیری از فرار متهم انجام تحقیقات و ابلاغ اوراق قضایی بعهدده پلیس قضایی معمول می باشد

نهاد پلیس به عنوان ضابط قضایی

نهاد پلیس نهادی است اداری، انتظامی و در عین حال تخصصی که زیر نظر دادستان (در سیستم‌هایی که تشکیلات قضایی آن‌ها متشکل از دادسرا و دادگاه است) وظایف کشف و تعقیب جرایم مهم، نظیر جرایم جنایی، اقتصادی، مالیاتی و فنی و شناسایی و دستگیری مجرمین و اجرای احکام و تصمیمات قضایی را عهده دار است و اگر بخواهیم از نظر وظایف و اهداف، مقایسه ای بین پلیس قضایی و اداری انجام دهیم، باید گفت: وظایف پلیس اداری در عمل به وظایفی اطلاق می‌گردد که بیشتر جنبه خدماتی داشته باشد، نظیر اموری چون صدور گذرنامه، گواهینامه رانندگی، پروانه اماکن عمومی، پیشگیری از وقوع جرم و عوامل اغتشاش و محل نظم عمومی که با اتخاذ تدابیر امنیتی و اقدامات دتأمینی صورت می‌گیرد. این نوع پلیس را پلیس انتظامی، احتیاطی یا تأمین نیز می‌گویند؛ زیرا وظایف آن ماهیتاً یک امر تأمینی است و از لحاظ زمانی مربوط به قبل از وقوع جرم می‌باشد، اما وظیفه پلیس قضایی بعد از وقوع جرم شروع می‌شود و اقداماتی نظیر کشف جرم، تعقیب و دستگیری متهمین و مجرمین و تحویل آن‌ها به مقام قضایی ذیصلاح و اجرای دستورات بعدی مقام مزبور را بر حسب قانون، انجام می‌دهد (حاجی تبار، ۱۳۹۲:۹).

با توجه به اینکه تعداد ضابطان قضایی در قانون ایران بعد از انقلاب اسلامی افزایش پیدا کرده و بسیاری از آن‌ها آموزش‌های لازم را نیز تحت نظر مقام قضایی ندیده‌اند، تفویض صلاحیت تام مبنی بر انجام هرگونه اقدام (به جز اخذ تأمین از متهم) در مورد جرم مشهود قبل از مداخله مقام قضایی، می‌تواند زمینه سوء استفاده آن‌ها را از قدرت فراهم و با این بهانه هراقدامی را برای خود مجاز بدانند و حتی بالاتر از این، طبق تبصره ذیل ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ به ضابطین قضایی اختیار داده شده است که می‌توانند ضمن اعلام جرم، متهم را به دادگاههای کیفری معرفی نمایند:

۱. هرگاه مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر شده و محل اقامت او معین نیست و نمی‌توان اطمینان به اظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود.

۲. در صورتی که عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس یا قصاص یا دیه یا حد است و احتمال می‌رود که آثار عمل ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند (طبق ماده ۱۵ آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

مضافاً به اینکه قانونگذار برخی از مفاهیم را تعریف نکرده و فقط حکم آن‌ها را بیان نموده است، مثلاً در قانون آیین دادرسی کیفری، قانون گذار تعریفی از جرم مشهود ارائه نگردیده است و فقط به سراغ مصادیق این جرم رفته و آن‌ها را افزایش داده است که نتیجه این امر باعث می‌گردد آزادی و حقوق شهروندان مورد تهدید قرار بگیرند.

ضرورت تفکیک پلیس قضایی از نیروی انتظامی

امروزه وظیفه مهم کارکنان نیروی انتظامی در قالب پلیس قضایی متجلی می‌شود؛ یعنی وقتی جرم واقع شد، همه اقداماتی که مربوط به پلیس نیروی انتظامی باشد، به مرحله اجرا درمی‌آید. حال که به یک دسته بندی کلی از وظایف کارکنان نیروی انتظامی پی بردیم، به این نکته می‌رسیم که آیا این دسته بندی درباره کارکنان ناجا اعمال شده است یا خیر؟

در حال حاضر، فقط بعضی از کارکنان ناجا به وظایف پلیس اداری مشغول هستند و به هیچ وجه به امور پلیس قضایی نمی‌پردازند. اما برخی از آنان، هم پلیس اداری هستند و هم به امور پلیس قضایی می‌پردازند. بدین معنی که کارکنانی که در امور انتظامی، به‌ویژه پاسگاهها به انجام وظیفه مشغول هستند، هنگامی که به گشت زنی در حوزه استحفاظی می‌پردازند، کار پلیس اداری را انجام می‌دهند و وقتی که با جرم برخورد می‌کنند، وظایف پلیس قضایی بر عهده آنان است. به عبارت دیگر، ماهیت

وظیفه آنان از پلیس اداری، به قضایی تبدیل می شود و به همین دلیل، امر قانونی آنان نیز از فرمانده و رئیس مربوط، به مقام قضایی تغییر می یابد و این از ویژگیهای منحصر به فرد ضابطین دادگستری در ایران است (کولی و نندتویسرکانی، ۱۳۸۶: ۲۸). با توجه به استدلال مذکور، قطعاً همه کارکنان نیروی انتظامی، پلیس قضایی محسوب نمی شوند و برای تبیین این که چه کسانی پلیس قضایی محسوب می شوند، در بند هشتم ماده ۴ قانون ناجا اشاره شده است.

ضرورت پلیس قضایی در دستگاه قضایی

دستگاه قضایی ایران به منظور برقرار ساختن دادرسی منصفانه و تحقق عدالت قضایی به مانند تجربه کشورهای چون سوئیس و فرانسه که دارای نظام حقوقی موفق در دنیا می باشند نیازمند پلیس تخصصی است. وجود این پلیس تخصصی باعث تسریع در جمع آوری دلایل جرم و تحت تعقیب قرار دادن مجرم یا مجرمان می گردد زیرا امروزه با توجه به پیچیدگی قوانین از یک سو و اهمیت جان، مال و آبروی مردم از سوی دیگر نمی توان مأموران نا آشنا به مسائل حقوقی قضایی را برای اموراتی هم چون تحقیق و تعقیب جرایم مجرمان یا متهمان گمارد.

بنابراین لازم است ساختاری با بهره مندی از نیروهای متخصص و آشنا به مسائل حقوقی قضایی به این کار مهم گماشته شود. حتی در آیین دادرسی کیفری هم ضرورت آموزش پلیس توسط مدعی العموم و ارائه تعلیمات لازم به آنها مورد تاکید واقع شده، لذا در این راستا برای اینکه دادستان تعلیمات لازم را به پلیس بدهد باید پلیس مقداری آشنایی با مسائل حقوقی قضایی باشد و دلیل آن هم این است که تصمیم های دادگاهها و مراجع قضایی در ایران و سایر کشورها یک فرایند را طی می کند یعنی به طور دفاعی و ناگهانی تصمیمی گرفته نمی شود بلکه یک پرونده کیفری ابتدا در اداره پلیس مطرح می شود و سپس در دادسرا و بعد در دادگاه های بدوی و تجدید نظر و در نهایت در دیوان عالی کشور مطرح می شود (رایجیان اصل، ۱۳۹۴: ۲۲).

در واقع این روندی است که در ادبیات قضایی تخصصی به آن فرایند تصمیم گیری گفته می شود. بنابراین پرونده های که در دادگاه یا دیوان عالی کشور مطرح می شود پرونده های است که در گذشته از مجموعه زیادی از اوراق و برگه های بازجویی، تحقیق و ... ایجاد شده و قاضی دادگاه نیز بر اساس آن اوراق مستندات تصمیم می گیرد. بنابراین بسیار مهم است که در آن برگه های بازجویی، چه چیزی نوشته شده و سؤالات چطور مطرح شده اند و پاسخها چگونه منعکس گردیده اند. بدون شک آنچه که در نهایت، قاضی با استناد به آن ها حکم می دهد محتویات پرونده است. البته قاضی میدان عمل هم دارد ولی در واقع پرونده در ابتدا شالوده و سنگ بنای آن گماشته می شود و سرنوشت خود را پیدا می کند. البته امکان دارد که در برخی موارد استثناء وضعیت به گونه ای دیگر باشد اما به طور عموم و در اکثر موارد به این گونه است. بخصوص در شرایطی که پرونده ها زیاد باشد و قضات فرصت کم داشته باشند. بنابراین آن مطالبی که در صفحات یک پرونده تدوین می شود سرنوشت شاکی و متهم را تعیین می کند (حاجی تبار، ۱۳۹۲: ۳۸).

بنابراین ضروری است پلیس، آموزش دیده و متخصص که دارای تحصیلات حقوقی می باشد این کار را انجام دهد. از طرف دیگر پلیس مذکور باید وابسته به قوه قضائیه باشد که این قوه بتواند بدون مشکلی دستورانش را ابلاغ کند (رایجیان اصل، ۱۳۹۴: ۲۲).

در واقع در راستای این مسأله ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه این الزام را نسبت به تأسیس پلیس قضایی و ارائه لایحه ای ملزم داشته است. بنابراین در صورت تنظیم و ارائه لایحه به نظر می رسد جای نگرانی خاصی وجود ندارد.

پیچیدگی جرایم و لزوم تخصصی کردن امر تعقیب

با توجه به پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی در عرصه حیات آدمی و در اختیار گرفتن علوم و فنون در خدمت بشر و عدم استفاده صحیح از تکنولوژی از سوی بزهکارانی که غالباً حرفه ای هستند و در اعمال مجرمانه خود حرفه ای عمل می کنند، ضرورت دارد مأموران کاشف و متولیان امور با مجهز شدن به تکنولوژی روز همراه با آموزش های لازم و آگاهی از مسائل حقوقی و به خصوص کیفری، خود را برای مقابله با مجرمان آماده کنند و لازم است نیروهای مربوطه در ارائه آموزش های علمی و پلیسی از واقعیات جامعه جلوتر باشند و امر تعقیب مجرمان توسط پلیسی مقتدر، مجهز، و متخصص صورت گیرد (باقری نژاد، ۱۳۸۸: ۵۹).

تسریع در اجرای عدالت

اجرای عدالت مهمترین آرزوی بشر در همه دوران بوده است و برای رسیدن به این آرزوی مهم خون‌ها ریخته شده و با نام آن جنگ ها شکل گرفته و برای ستیز با آن قتل عام ها برپا گردیده که بررسی تاریخ گویای این حقیقت است. اسلام بویژه در نمود تشیع آن نماد فطری عدالت است و برترین و بهترین اسوه گان را فرا راه بشر نهاده است.

در این مبحث تسریع در اجرای عدالت به عنوان یکی از مبانی نظری لزوم احیای پلیس قضایی از جهت تسریع در مراحل رسیدگی صدور حکم و اجرای سریع همراه با رعایت مقررات قانونی مدنظر بوده است. طولانی شدن وقت رسیدگی و معطل ماندن پرونده ها در مراجع قضایی، بلا تکلیفی افراد زندانی تحت قرارها و کند بودن روند رسیدگی و نهایتاً اطاله دادرسی بر خلاف سیاستهای سازنده یک جامعه قضایی بوده است. در یک جامعه، خصوصاً جامعه اسلامی ما که با یک حرکت مردمی و همگانی اساس و پایه انقلاب اسلامی را پی ریزی و بنیان نهاده اند. مردم حق دارند که از خدمات قضایی و پلیسی به نحوه شایسته آن در صورت نیاز و لزوم بهره مند شوند. تشکیل نهاد پلیس قضایی اگر چه شاید نتواند به طور حتمی و صد در صد تمام نواقص فعلی موجود در دوایر انتظامی و به تبع آن تشکیلات قضایی را حل کند اما با توجه به متخصص بودن افراد آن به دانش قضایی پلیسی و مسلط بودن به تجهیزات فنی و تکنولوژی روز، بر انتظارات مردم از دستگاه عدلیه که خواهان عدالت و تسریع در اجرای آن می باشد جامعه عمل خواهد پوشید و حضور پلیس قضایی در تشکیلات قضایی کشور نقش بسیار مهمی در کوتاه کردن اوقات دادرسی، در بر دارد. برای تحقق عدالت کیفری و دارا بودن متهم از تصمیمات کافی در مرحله دادرسی و از سوی دیگر تسریع در اجرای این عدالت و تمامی وظایفی که در شأن یک ضابط خوب و شایسته دستگاه قضایی جهت اجرای اوامر مقامات ذیصلاح می باشد ضرورت ایجاد نهاد پلیس قضایی امری اجتناب ناپذیر است (کولی وند تویسرکانی، ۱۳۸۶: ۲۰).

جهت ضرورت پلیس قضایی در روند اجرای احکام

در حقوق ایران پیشگیری از جرم، مقابله با مجرم و اجرای عدالت قضایی بر عهده دستگاه قضایی نهاده شده است و پلیس قضایی به عنوان بازوان دستگاه قضایی نقش بسیار تعیین کننده‌ای در جریان تشکیل پرونده‌های کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دارند. نقش پلیس همواره بعد از وقوع جرم ظاهر میشود. در فاصله زمانی وقوع جرم تا مرحله صدور حکم و اجرای کامل آن، میان پلیس و دستگاه قضایی رابطه ارگانیکی برقرار میگردد و پلیس قضایی به عنوان بخشی از دستگاه عدالت کیفری با پرونده اتهامی درگیرند و تحت امر دادسرا و مراجع قضایی وظایف مهمی چون کشف، تعقیب و تحقیق جرایم، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای مقتدرانه احکام صادره را ایفاء مینمایند (محمدی، ۱۳۹۳: ۷۷).

جلوگیری از تضییع حقوق متهمان در پرتو عملکرد پلیس قضایی

در پرونده های ارسالی از مراجع انتظامی، گاه شاهد بازداشت متهم یا متهمانی هستیم که به لحاظ یک موضوع صرفاً حقوقی، ساعت ها در بازداشتگاه های مراجع انتظامی که غالباً فاقد امکانات رفاهی لازمه هستند، نگهداری می شوند یا بعضاً در ارجاع پرونده ها به مراجع انتظامی دیده می شود که بر خلاف دستور مقام قضایی اقدام می کنند و متهمی که دستور احضار وی داده شده است را دستگیر و حتی بازداشت می نمایند و بهانه آن را عدم اطلاع و آگاهی از منظور مقام قضایی ذکر می کنند (راعی دیزج، ۱۳۹۳:۱۱۸).

یکی دیگر از حقوق متهمین، صدور قرار تأمین است. متهم به محض احضار، اگر اتهامی متوجه وی باشد مقام قضایی باید ظرف ۲۴ ساعت برایش قرار تأمین صادر کند که بعضی از قرار تأمین ها منجر به آزادی متهم می شود. در بعضی از مواقع که پرونده به واحد اجرای احکام ارائه می گردد، ممکن است شخص آزاد باشد و هنگامی که از مرجع انتظامی خواسته می شود شخص را مجدداً احضار نماید، بعضاً رغبتی به دستگیری و جلب وی نشان نمی دهند و درباره علت این کار مدعی می شوند که ما یک بار متهم را دستگیر و تحویل آن مرجع داده ایم ولی متهم را آزاد کردید. که اعلام این امر از ناحیه آنان نشان دهنده این می باشد که تعقیب، دستگیری و دیگر امورات مجرمان و متهمین باید توسط پلیسی صورت گیرد که تخصصهای لازمه و کافی را در این زمینه داشته و مطلع باشند که مرتکب هر جرمی می تواند برابر قانون با سپردن وثیقه آزاد شود. پلیس قضایی به عنوان مجری اوامر و دستورات قضایی برابر قانون وظیفه خواهد داشت در خصوص احضار، جلب، ابلاغ احکام و اوراق قضایی نهایت دقت را به عمل آورده و مانند مقام قضایی در انجام وظیفه بیطرفانه عمل و اقدام نماید و از تضییع حقوق متهمان جلوگیری کند (کولی وند توپسرکانی، ۱۳۸۶:۲۰).

پلیس قضایی و جلوگیری از اطاله دادرسی و تسریع در اجرای عدالت

اسلام و به ویژه تشیع نماد فطری عدالت است و برترین و الگوها را فرا راه بشر قرار داده است. تسریع در اجرای عدالت به عنوان یکی از مبانی نظری لزوم احیای پلیس قضایی است که باعث تسریع در مراحل رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن همراه با رعایت مقررات قانونی می شود؛ اگر پلیس قضایی با امکانات، تجهیزات و مهارت های لازم تشکیل گردد، راهنمایی و نظارت مقامات قضایی به حداقل خواهد رسید؛ چرا که پلیس قضایی خود آشنا به مقررات حفظ و نگهداری ادله جرم و متهم است. وقتی پلیس آشنا به وظیفه خود در امر کیفری باشد، دیگر نیازی نیست که چندین بار پرونده به همراه طرفین بین دادگاه و کلانتری ها در رفت و آمد باشد و کار نیز از سرعت و دقت بیشتری برخوردار می شود (رایجیان اصل، ۱۳۹۴:۲۵).

پلیس قضایی، بازوی پرتوان دستگاه قضا

به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایفی همچون کشف جرم و تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان است. شناخته شده است. سخن اینجاست که آیا یک قوه « قوه مستقل » نکته بارزی که در این اصل خودنمایی می کند این است که قوه قضاییه مستقل که وظیفه آن کشف جرم است، می تواند از لحاظ اجرایی وابسته به نیرویی باشد که تحت امر قوه مجریه است؟ و آنجا که تعارضی بین منویات قوه قضاییه و قوه مجریه باشد، تکلیف این نیرو چیست؟

آیت ا... صادق آملی لاریجانی در ماه های نخست مسئولیتش در قوه قضائیه لایحه تشکیل پلیس قضایی را به دولت جهت بررسی و اعلام نظر تقدیم کرد ولی دولت سابق بنا به اجتهاد هایی موارد مندرج در آن را بر خلاف قانون اساسی دانسته و در نهایت مبادرت به بایگانی آن نمود که این امر موجب انتقاد رئیس قوه قضائیه در اسفند ۱۳۹۲ گردید که اظهار داشت: راه اندازی پلیس قضایی یکی از نیازهای قوه قضائیه است. چگونه می توان دست و بازوی دستگاه قضایی را قطع نمود و براحتهی از تشکیلات پلیس قضایی به عنوان فرزند صالح شهید مظلوم آیت ا... دکتر بهشتی صرف نظر نمود ولی از دستگاه قضایی توقع اجرای مناسب احکام و حدود الهی را داشت می بایست پذیرفت که تخصصی کردن کارها یکی از ماموریت های دولت و حاکمیت است که موجب ارتقای سطح رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی و تضییع حقوق شهروندان و جامعه می گردد. بدیهی است با احیای پلیس قضایی که در حقیقت بازوی توانمند دستگاه قضایی است و در سایه تعامل و همدلی این نیرو با دستگاه قضایی شاهد اجرای شایسته عدالت و برآورده شدن انتظارات جامعه خواهیم بود (روزنامه حقوقی ایران، آذرماه، ۱۳۹۴)

دلایل موافقان و مخالفان لایحه تشکیل پلیس قضایی

نظرات موافقان

بدون شک قوه قضائیه هر چه بیشتر بتواند استقلالش را حفظ کند بسیار بهتر است زیرا وابسته بدون برخی سازمان ها به قوه قضائیه یا تاسیس سازمان ها و ساختارها یی که برای استقلال قوه قضائیه مناسب و ضروری هستند به طور قطع مطلوب و مفید است یکی از این سازمان ها پلیس قضایی است. موافقان لایحه مذکور مدعی شده اند که بیشتر مشکلات فرا روی قوه قضائیه در تحقیقات مقدماتی با احضار و یا جلب متهم و یا ابلاغ اوراق قضایی یا اجرایی تصمیمات قضایی ناشی از حذف کار ضابطین و در واقع جدی نگرفتن شرح وظایف خود بوده و اطاله دادرسی ناشی از عملکرد ضعیف قوای انتظامی است و با انحلال سیستم پلیس قضایی و تفویض اختیارات آن به نیروی انتظامی، نه تنها مشکل موصوف حل نگردید بلکه امر ابلاغ اوراق قضایی و احضار و یا جلب متهم و حتی تحقیقات مقدماتی ضعیف عمل شده و اعتمادی بر روند کاری مفید ضابطین نیست. با انحلال پلیس قضایی و غیر تخصصی شدن محاکمه و ظهور سیستم عامل، منجر به درگیر شدن تشکیلات قضایی با مشکلات عدیده گردیده است (راعی دیزج، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

این لایحه جز خلاء وجودی یک پلیس قضایی نیست و تقدیم این لایحه نیز بر اساس نیاز فوق بوده است و موافقان این لایحه در دفاع مدعی شدند روند کاری سیستم قضایی ایران به سمت و سوی تخصصی شدن در حال حرکت می باشد. در همین شرایط لازم است تحقیقات توسط افرادی متخصص که اطلاعات پلیسی و علم قاضی را توأم دارند انجام گردد. مشکلاتی که قوه قضائیه را هم اکنون از جهت رسیدگی قضایی درگیر نموده است عبارتند از:

مشکلات ناشی از خلاء وجودی پلیس قضایی در محاکم قضایی

- ۱- ظهور پدیده ازدیاد تشکیل پرونده های در دست اقدام در محاکم قضایی و افزایش تراکم جمعیت در زندان ها.
- ۲- عدم مشارکت قوای انتظامی در تکمیل تحقیقات که منجر به ازدیاد پرونده ها به دادرها می شود. که ازدیاد پرونده ها باعث می گردد دقت شایسته در رسیدگی قضایی از قضاوت دادرها سلب گردد و موجبات تراکم جمعیت در زندان ها را رغم

بزند مضافاً به اینکه این موضوع به دلسردی قوای انتظامی منجر شده که عکس‌العمل آنان در نحوه ابلاغ اوراق قضایی و یا احضار و یا جلب متهم بیانگر همین امر است.

۳- یکی از موارد مهم و شاید بزرگترین معضل فعلی سیستم قضایی عدم ابلاغ صحیح و به موقع اوراق قضایی است که با توجه به نحوه فعالیت انجام شده از سوی نیروی انتظامی در این مورد به نظر می‌رسد ضابطان، تخصص و آموزش کافی در نحوه ابلاغ اوراق ندارند و اجرای صحیح تصمیمات قضایی نیز تا حدودی غیر ممکن است.

۴- در قانون آئین دادرسی کیفری جدید وظایف بازپرس، در موارد خاص بسیار توسعه یافته و بازپرس در بعضی موارد مکلف است شخصا در تحقیق بعضی از قضایا دخالت کند اما در جایی که قانونگذار امکان و اختیار ارجاع موضوعات را به ماموران رده پائین محول کرده بدیهی است که این ماموران باید آموزش دیده بوده و آمادگی بدنی، ذهنی و آموزشی داشته باشند.

۵- تفکیک پلیس انتظامی از پلیس قضایی متخصص و آموزش دیده در امر تعقیب، ابلاغ و اجرای احکام که مهمترین ارکان یک پرونده قضایی اعم از کیفری و حقوقی را تشکیل می‌دهد ضرورتی غیر قابل انکار می‌باشد. چون به واسطه آن از باب توجه به معنویات، کرامت و حیثیت انسانی متهم و شاکی بیشتر حفظ می‌گردد.

۶- نقل و انتقالات ماموان انتظامی به استان‌های دیگر در راستای بدست آوردن تجربه‌های خدمتی در مناطق عملیاتی، صعب‌المعیشه که موجبات وقفه یا کندی در روند پیگیری پرونده‌ها را فراهم می‌آورد.

۷- با انحلال تعدادی از شعب محاکم و هدایت قضاوت جوان‌تر به سیستم دادسرا ناچار تمامی پرونده‌های مطروحه در این شعب محاکم به دیگر شعب دادگاهها هدایت که منجر به طولانی شدن فرآیند رسیدگی و اطاله دادرسی شده است.

۸- در سیستم‌های حقوقی موفق دنیا ماموران پلیس قضایی افرادی هستند که اطلاعات پلیس و علم قاضی را توأم دارند و البته اختیاراتی مثل آزاد کردن متهم با وثیقه نیز برای آن‌ها در نظر گرفته شده است که از محاسن این تشکیلات می‌باشد.

۹- اگر چه در پایان این بحث لازم است حراست پلیس انتظامی از جان، مال و نوامیس مردم و دستاورد های انقلاب و تلاش طاقت فرسای ایشان نادیده گرفته نشود و در جای خود مورد تقدیر و تشکر واقع گردد ولی اشاره ما در خصوص عملکرد فعلی این نیرو، توجه متولیان امر و مسئولین عالی مملکتی خصوصاً مجلس شورای اسلامی در تصویب لایحه تقدیمی و البته پس از اصلاح آن به نحوی که شایسته و زیننده

پلیس و دستگاه قضایی است، می‌باشد (روزنامه حقوقی ایران، سال بیست و یکم، شماره ۶۵۱۲ دی ماه ۱۳۹۴)

نظرات مخالفان

مهم‌ترین دلایل مخالفان با احیای پلیس قضایی که بارزترین آن‌ها در مقاله کارشناسی نمایندگان مجلس شورای اسلامی روزنامه حقوقی پاییز ۱۳۹۳ منتشر شد به قرار زیر است:

۱- در ایران با عنایت به قانون تأسیس نیروی انتظامی مصوب ۲۷ آذر ۱۳۶۹ پلیس جزئی از قوه مجریه است و سکان اداره آن طبق قانون اساسی و قانون فوق‌الذکر در دست رهبری است. با این وجود به دلیل اختیارات تفویضی مقام معظم رهبری به قوه مجریه (وزارت کشور) وزیر کشور مسئول بخشی از وظایف و اختیارات نیروی انتظامی تلقی گردیده، لذا امکان اخذ پاسخ در فرایندهای قانونی (سؤال، تذکر، استیضاح) فراهم است.

۲- کیفیت ساختار و جایگاه قوه قضائیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی چنان است که امکان اخذ پاسخ از این قوه قضائیه به نحو مؤثری یعنی به ترتیبی که موجبات الزام به پاسخگویی و پذیرش تبعات آن باشد وجود ندارد. بر این اساس قوه قضائیه در مقابل همین مقدار وظایف و اختیاراتی که داراست قابل استنطاق و ملزم به پاسخگویی نیست.

۳- احاله و تفویض اختیار تأسیس پلیس خصوصی (در مقابل پلیس تخصصی) به قوه قضائیه اگرچه می‌تواند موجبات اجرای بهتر و سریع‌تر اوامر و نواهی قضایی را فراهم آورد، اما در عمل تفویض قدرت به مرجعی می‌باشد که در مقابل اختیارات و اقتدار مکتسبه، قابل پرسش و مسئول نیست. لذا با توجه به اینکه پلیس به ویژه در امور قضایی با جان، مال، امنیت، آزادی و کثیری دیگر از ارزش‌های حیاتی شهروندان ارتباط دارد ضروری است که دارای جایگاهی معین با ساختاری پاسخگو به انجام وظیفه بپردازد. حقیقت آن است که در قوه قضائیه هنوز ساختار مناسب و مؤثری جهت الزام به پاسخگویی کارکنان سنتی آن یعنی کارمندان و قضات وجود ندارد. چگونه می‌توان انتظار داشت که با احاله اختیارات تأسیس پلیس خصوصی به قوه قضائیه، امکان پاسخگویی آن قوه نسبت به عملکرد این نیرو فراهم گردد؟

۴- بدین ترتیب ضمن تأکید بر ضرورت استمرار فعالیت پلیس در ساختار کلی آن از یکسو و تربیت و تجهیز بخشی از نیروی پلیس به عنوان پلیس متخصص در امور قضایی از سوی دیگر، درخصوص لایحه قانونی تشکیل پلیس قضایی، قابل ذکر است که صرف نظر از شائبه مغایرت این لایحه با اصل یکصد و دهم قانون اساسی، ضروری است کیفیت تأسیس پلیس تخصصی قضایی، وظایف، اختیارات، تشکیلات و... در لوایح مفصل که متضمن تبیین حقوق شهروندان در برابر چنین پلیس تخصصی نیز باشد، مورد توجه قرار گیرد.

۵- لایحه قانونی تشکیل پلیس قضایی چنان ساده و مجمل است که در صورت تصویب، قوه قضائیه را در کیفیت تأسیس و شکل دهی آن مبسوط الید می‌سازد. اهمیت تفصیل این لایحه به ترتیبی که متضمن جزئیات وظایف، اختیارات، تشکیلات، حقوق شهروندان در مقابل پلیس و... در قانون باشد، در آن است که حداقل از ابهام آن کاسته، امکان اظهارنظر دقیق‌تر را فراهم نماید.

۶- وظایف پلیس قضایی عبارت است از: کشف، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهمان و مجرمان و انجام تحقیقات، ابلاغ اوراق، اجرای احکام و تصمیمات قضایی و پیشگیری از وقوع جرم به جز وظیفه اخیر یعنی پیشگیری از وقوع جرم سایر وظایف احصا شده برای پلیس مورد بحث عیناً همان است که در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطین دادگستری پیش بینی شده است. گذشته از این، تبصره ۴ لایحه پیشنهادی سال ۹۲ مقرر می‌دارد «که تشکیل پلیس قضایی نافی صلاحیت ضابطیت نیروی انتظامی و سایر ضابطین نیست و آن‌ها موظفند کما فی السابق مطابق مقررات انجام وظیفه نمایند». جمع این موارد تشکیل پلیس قضایی را بی‌معنا و کاری بیهوده جلوه می‌دهد. اگر بنا باشد که ضابطین فعلی کماکان موظف به ادای وظایفی باشند که لایحه پیشنهادی احصا کرده است دیگر تشکیل پلیس قضایی چه معنایی خواهد داشت؟ آیا در عمل تداخل و موازات در ایفای وظیفه واحد پیش نخواهد آمد و ضابطین فعلی با استناد به تخصصی شدن امر ضابطیت وظایف خود را به پلیس قضایی احاله و ارجاع نخواهند نمود؟

۷- توسعه اختیارات و به اصطلاح تقویت قدرت مراجع اداری سیاسی باید منطبق بر اصول قانون اساسی و متضمن تقویت قوای نظارتی و توسعه تکلیف به پاسخگویی آن قوا نیز باشند و گرنه موجبات سوء استفاده و نقض حقوق شهروندان را فراهم خواهد آورد و به طور خلاصه تصویب لایحه تشکیل پلیس قضایی با تکیه بر دلایل زیر غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد:

الف مغایرت با اصول قانون اساسی از جمله اصل ۵۷ - ، ۶۰ ، ۱۱۰ ، ۱۷۲

ب مغایرت با ماده ۱۳۹ قانون برنامه چهارم توسعه که عنوان می دارد دولت موظف است تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی پیشنهاد حذف و یا واگذاری حداقل بیست درصد از تعداد سازمان‌ها و نهادهای موسسات و شرکت‌ها و نظایر آن‌ها را به سایر بخش‌ها و ادغام و انحلال دستگاه‌های غیر ضروری را جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند و در بخش دیگر اعلام می دارد ممنوعیت ایجاد وزارتخانه، موسسه دولتی، نهاد عمومی غیردولتی، شرکت دولتی و دستگاه‌هایی با عناوین مشابه مگر در موارد استثناء با تایید هیات وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

پ ایجاد تشکیلات موازی و تداخل وظایف آن‌ها و در نهایت بلاتکلیفی مردم و تزییع حقوق آن‌ها. به نظر می رسد ضمن حفظ ساختار کلی پلیس به شکل حاضر در ایران ضرورت توجه بهتر به تربیت نیروی پلیس متخصص و از جمله پلیس قضایی که در بطن خود نیازمند انواع تخصص‌های دیگر است مورد توجه قرار گیرد. انجام این مهم تنها از طریق قانون قابل توجیه خواهد بود. قانونی که با رعایت اصول قانون اساسی اصول و فروع مسائل پلیس تخصصی را به تفصیل مورد حکم قرار دهد و از هرگونه ابهام و کلی گویی خالی باشد.

نگاه قانون جدید آئین دادرسی کیفری جدید به پلیس قضایی

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری وظایف بازپرس در موارد خاص بسیار توسعه یافته و بازپرس در بعضی موارد مکلف است، مباشرتا و شخصا در تحقیق بعضی از قضایا دخالت کند اما در جایی که قانونگذار امکان و اختیار ارجاع موضوعات را به ماموران رده پایین محول کرده بدیهی است که این ماموران باید آموزش دیده بوده و آمادگی بدنی، ذهنی و آموزشی داشته باشند. به نظر محققین موضوع اشکال در اوراق قضایی که به نظر موضوعی بسیار ساده می آید، باعث تجدید وقت دادگاه‌ها، تراکم کار دادگاه‌ها، تعیین اوراق بسیار طولانی برای رسیدگی و دعاوی و ... می شود؛ بنابراین ضرر بسیار سنگینی برای اصحاب دعوا و دادگاه‌ها ایجاد می کند.

همچنین زمانی که در تحقیقات کیفری، بازپرس یا دادیار نمی تواند شخصا به تحقیق بپردازد و کار را به نیروی انتظامی (افراد وظیفه اعم از درجه دار یا سرباز) واگذار می کند، بدیهی است که نتیجه کار درست و دقیق نخواهد بود؛ زیرا جوانی که تازه از دبیرستان فارغ التحصیل شده و با حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری آشنایی ندارد، نمی تواند به درستی وظیفه اش را انجام دهد؛ بنابراین در بسیاری از موارد همین عدم آگاهی‌ها در تنظیم پرونده اولیه، باعث می شود که دادگاه برای چندین بار تجدید وقت شود و در نهایت آنچنان که باید قادر به احقای حق نباشد.

و در انتها باید بگوییم برای کلیه اموری که به عنوان مقدمه رسیدگی دادگاه‌ها مورد نیاز است و یا مواردی که در دادرسی نیاز به تحقیق دارد، باید از افرادی که تخصص در کار دارند، استفاده کرد. امید است که با تصویب لایحه پلیس قضایی در مجلس شاهد عدالت هر چی بیشتر و حذف اشکالات و نقص‌های قوانین قبلی باشیم.

نتیجه گیری

عدالت مرد عمل می خواهد و محقق نخواهد گردید؛ مگر به دست توانا و برومند مجریان آن مجریان عدالت باید مردانی آگاه و بصیر، مجهز به دانش حقوقی و کیفری، متخصص و کارآمد باشند و با چشمانی باز نقش بازوان ستبر مرد عدالت را ایفا نمایند. در دنیای امروز پیشرفت علم به صورت لحظ‌های است و فن آوری در خدمت علم و علم در خدمت بشر قرار دارد؛ بشری که با

چشم باز و بینا علم را به خدمت گرفته و در عرصه خدمت به خدا که همان خدمت به خلق اوست، دین خود را به جامعه ادا نماید. امروزه عمده امور در جامعه به صورت مدرن و مجهز به علم روز و تخصصی انجام می شود؛ اما متأسفانه هنوز نتوانسته ایم آن طور که شایسته است، وظیفه خود را در زمینه امور قضایی به نحو مطلوب و ایده آل ایفا نماییم.

جدای از الزام مقنن به تشکیل پلیس قضایی بر اساس ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه، طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، کشف و تعقیب جرم به عهده قوه قضائیه است. همچنین به موجب مواد ۲۸ و ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون گذار به دادستان یا قاضی تحقیق اجازه داده با در نظر گرفتن موازین شرع و مقررات قانونی، پاره‌ای از انجام امورات و تحقیقات را به ضابطان دادگستری محول کند. بدیهی است انجام این تکالیف مهم مستلزم وجود نیرویی تخصصی، آشنا با مفاهیم حقوقی و آموزش دیده می باشد که در کار تحقیقات قضایی، کشف جرم، تعقیب و نگهداری مجرم، ابلاغ و اجرای احکام قضایی دستگاه قضایی را یاری نماید و ضمن کاهش بار مسئولیت نیروی انتظامی، با استفاده از امکانات، تجهیزات و مهارت‌های کسب شده سبب افزایش سرعت، دقت و کیفیت رسیدگی به پرونده ها شود.

این نیروی تخصصی همان پلیس قضایی می باشد پلیسی که می تواند با همکاری و همیاری دیگر مراجع دارای صلاحیت، نقش به‌سزایی را در خصوص ایجاد صلح و امنیت داخلی و حتی امنیت بین المللی ایفا کند.

طبق نتایج این پژوهش و بررسی تحقیقات گذشته و بررسی مصاحبه های انجام شده با قضات و مقامات عالی رتبه نیروی انتظامی نتایج تحقیق حاضر به این گونه بیان می شود:

دلایل ضرورت احیای پلیس قضا:

- ۱- ضرورت پلیس قضا در امر کشف جرم، تعقیب و مقابله با بزهکاران حرفه ای مسلط به انواع تکنولوژی پیشرفته
- ۲- عدم ارائه خدمات به نحو مطلوب و شایسته از طرف نیروی انتظامی همگام با دستگاه قضایی در راستای اجرای عدالت (با توجه به گستردگی قلمرو وظایف قانونی و مسئولیت های متعدد این نیرو)
- ۳- حساسیت پرونده های کیفری و ضرورت واقف بودن پلیس قضایی به امور محوله ضمن داشتن اطلاعات حداقل نسبی از موازین قانونی (حقوقی و کیفری)
- ۴- بی توجهی یا بی اطلاعی برخی مامورین نیروی انتظامی از مقرراتی همچون احضار، جلب، ابلاغ، ادله جرم، حقوق بزه دیده و... از سوی برخی مأموران سبب می شود که دستور مقام قضایی به صورت ناقص یا اشتباه انجام شود و یک پرونده بارها به دلیل تکمیل نشدن بین پلیس و دادسرا رد و بدل گردد. یا شهروندی به دلیل عدم آشنایی ضابطان به مسائل حقوقی متحمل ضرر جبران ناپذیری می گردد، بنابر این ورود پلیس قضا در این حوزه می تواند این مشکلات را برطرف نماید.
- ۵- نبود نیروی متخصص با تحصیلات عالی در این زمینه و ایجاد زمینه اطاله دادرسی و تضییع حقوق متهم
- ۶- عدم مغایرت استفاده از نیروی پلیس مجرب و کارآمد با تحصیلات عالی با فلسفه وجودی نیروی انتظامی و همچنین توسعه تشکیلات اداری و یا کم حجم شدن دولت
- ۷- ارتقای سطح رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی و تضییع حقوق شهروندان و جامعه
- ۸- اطمینان خاطر و رغبت بیشتر مقام قضایی در محول کردن اقدامات لازم قضایی به مجریان آگاه به مسائل حقوقی و قوانین کیفری
- ۹- اجرای شایسته عدالت و برآوردن انتظارات واقعی جامعه از حاکمیت

انتقادات

یکی از ایرادهایی که از نظر محقق به قانون ایران در زمینه پلیس قضا مطرح است این است که در حال حاضر، فقط بعضی از کارکنان ناجا به وظایف پلیس اداری مشغولند و به هیچ وجه به امور پلیس قضایی نمی پردازند. اما برخی از آنان، هم پلیس اداری هستند و هم به امور پلیس قضایی می پردازند. بدین معنی که کارکنانی که در امور انتظامی، به ویژه پاسگاهها به انجام وظیفه مشغولند، هنگامی که به گشت زنی در حوزه استحفاظی می پردازند، کار پلیس اداری را انجام می دهند و وقتی که با جرم برخورد می کنند، وظایف پلیس قضایی بر عهده آنان است؛ به عبارت دیگر، ماهیت وظیفه آنان از پلیس اداری، به قضایی تبدیل می شود و به همین دلیل، آمر قانونی آنان نیز از فرمانده و رئیس مربوط، به مقام قضایی تغییر می یابد و این از ویژگی‌های منحصر به فرد ضابطین دادگستری در ایران است. با توجه به استدلال مذکور، قطعاً همه کارکنان نیروی انتظامی، پلیس قضایی محسوب نمی شوند و برای تبیین این که چه کسانی پلیس قضایی محسوب می شوند، به بند هشتم ماده ۴ قانون ناجا می توان اشاره کرد.

در این ماده ماهیتا وظیفه پلیس، اداری است و در آن به پیشگیری از وقوع جرم پرداخته می شود، اما در حقیقت، توسط کسانی انجام می شود که در صورت برخورد با جرم، وظیفه پلیس قضایی را به مرحله اجرا درمی آورند. به عقیده نگارنده، ذکر این موارد در وظایف پلیس قضا که وظایفی که از حیث ضابط حضور آنان پس از وقوع جرم است، از لحاظ قانون نویسی، صحیح نیست؛ زیرا در صدر بند هشتم آمده است پس صدر ماده با محتوای آن مطابقت ندارد.

نکته دیگری که در ماده چهارم به چشم می خورد، مفاد بند نهم آن است (بند ۹ انجام امور مربوط به تشخیص هویت کشف جرایم) این امور که ضابط باید دقیقاً به آن پردازد، از وظایف او خارج شده است! مثلاً اگر جسد شخصی در بیابان پیدا شود و ضابط دادگستری با آن برخورد کند، به دلیل خروج موضوع از وظایف او، نباید هیچ گونه اقدامی انجام دهد؛ یعنی درباره تعیین هویت جسد، وظیفه ای ندارد و از آزمایشگاه جنایی نیز استفاده نمی کند. البته ممکن است گفته شود این موضوع باید از طریق مقام قضایی ابلاغ شود تا نسبت به انجام آن اقدام گردد. اما در جرایم مشهود، انجام وظیفه، چگونه خواهد بود؟ اگر پلیس به مقام قضایی دسترسی نداشت، چه باید بکند؟ بعلاوه، مفاد بند نهم در ارتباط با جرم است و پس از وقوع جرم، مورد استفاده قرار می گیرد؛ پس چگونه می توان آن را از وظایف ضابطین خارج کرد، در حالی که شقوق اولیه بند هشتم، هیچ ربطی به وظایف ضابط ندارد.

با عنایت به مفاد بند هشتم و همچنین بند نهم از ماده چهارم، چنین استنباط می شود که در حال حاضر، کسانی ضابط دادگستری محسوب می شوند که وظایف مندرج در بندهای مذکور را انجام می دهند؛ اگرچه در پاسگاهها نیز اشتغال نداشته باشند. البته هنوز هم قسمت اعظم این امور در کلانتری و پاسگاهها انجام می شود، اما متأسفانه تعدادی از قضات، موضوع ضابط بودن فرمانده پاسگاه و معاونان او را از یاد برده اند و یا به آن اشراف ندارند و دستورات قضایی را به ارگانها و یا قسمت‌هایی که هیچ گونه وظیفه ای در زمینه کشف جرم و جمع آوری دلایل و مدارک و یا دستگیری متهمان ندارند، ارجاع می دهند.

همچنین از نظر محقق انتقاد دیگری نیز به قانون کیفری در رابطه با پلیس قضایی وجود دارد، از لحاظ سازمانی فقدان مدیریت متمرکز و ابهام در مرجع تشکیلاتی ضابطین قضایی است. با این توضیح که در نظام کیفری ایران، نیرو یا نظامی ترکیبی از پلیس اداری و پلیس قضایی است که ضابط بودنش تنها یکی از دهها وظیفه آن میباشد. برخی از مأمورین به ویژه آنهایی که در پاسگاهها به انجام وظیفه مشغولند، هم وظایف پلیس اداری را انجام میدهند و هم در کنار آن به وظایف ضابط یا پلیس قضا

می‌پردازند و این نیروها گاهی به دلیل تداخل مسئولیت و وظایف شان سردرگم می‌شوند که به لحاظ انجام دستورات مافوق، از کدام مرجع تبعیت کنند. از مقام اداری و انتظامی و یا مقام قضایی؟

منابع

۱. اعظم کریمایی ع.، مرادیان م.، عباسی ع.، نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت. فصلنامه دانش انتظامی. سال دوازدهم. شماره دوم، ۱۳۸۹
۲. باقری نژاد ز.، مقام تعقیب و ادله کیفری، مجله پیام آموزش، شماره ۳۷، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۸۸
۳. حاجی تبار فیروزجایی ح.، جرائم علیه تسهیل کنندگان عدالت قضایی و پیشگیری از آن، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. سال ۸، شماره ۲۷
۴. حسینی، س ن.، نقش پلیس در پیشگیری از جرم، دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹
۵. راعی دیژ ت.، بررسی تاثیر عملکرد پلیس در ایجاد امنیت روانی سرمایه گذاران. فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی سال چهارم شماره دوم پیاپی، ۱۳۹۳
۶. رایجیان اصل م.، بزه دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۳، ۱۳۸۳.
۷. غلامی ح.، عدالت ترمیمی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمود آشوری، نشر سمت، ۱۳۸۳.
۸. کلی وند تویسرکانی ن.، نقش پلیس قضای در اجرای عدالت، چاپ اول، انتشارت تهران، فکرسازان، ۱۳۸۴
۹. ماه آبادی ع.، ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران. فصلنامه الهیت و حقوق، شماره ۶، ۱۳۸۹
۱۰. محمدنسل غ.، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران، چاپ اول، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری، ۱۳۸۷.
۱۱. محمدی م.، نقد و بررسی جایگاه پلیس ضابط قضایی در حقوق جزای ایران و افغانستان. یکشنبه ۷ دی ۱۳۹۳
۱۲. میرزایی م.، مسعودی ع.، نقش پلیس در اجرای برنامه های عدالت ترمیمی. مجله قضایی کارآگاه، ۱۳۹۲
۱۳. نویدنیا م.، چنگدانی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران: نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲، ۱۳۸۹.

1- neubar (D. W). American courts and the criminal justice system, Betmont, California, thed. 2002

2- Parra, Charles et jean Montreuil, traite de procedure penal policiere, ed Quillet, paris, 1981

3- Farlik, r, principes et procédures de la police criminelle, librairies technique, paris, 1987